

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شمی صلواتی
۰۴ دسمبر ۲۰۲۲

تقدیم به توماج صالحی و همه انقلابیون

توماج صالحی خواننده رب مورد علاقه من است.
شجاع است و شجاعتش هم قابل تحسین!
کارگری هوشیار، مردی مبارزه و برابری طلب،
هنرمندی معترض که در برابر جهل و جنایت می ایستد
در صف مبارزه با این جوان بودن، غرور آفرین است..
باید نوشت هنرمندی ماندگار در ذهن و قلب آدمهاست.
کارگری آگاه و جسور آشنا به دردها و زخمهای کهنه ست....
هیچ دیوار بتونی نمی تواند ریشه او را در ذهن و قلب ما بخشکاند. زنده باد توماج هنرمند انقلابی ما!!!

"توماج صالحی"

لطافتی که
پرند شد
چون عقاب
در آسمان ابری
گرفت اوج
چون نور از سیاهی کرد
گذر
دریا بود
طغیان شد
تصویری تازه تر از غرور
واژه زیستن و رهائی
از میان مردم بر خاست

قصه ها ورد زبان؛
افسانه شد!
افسانه های در درون دل
جای گرفت

قصه ای که
در هر نقطه از این جهان پیچید
ترانه شد
دهان به دهان
بر سر هر زبان جاری
منم توماج صالحی
میان مردم در ایران

قصه هائی که
خواب را از جانیان
آرامش را از ستمگران ربود
یعنی به کابوسی از ترس بدل شد
کاخها را لرزاند
مفتخوران را ترساند

اینک!
«تصویر دگر شد دل؛
تعبیر دگر شد عشق»

چون فرمانده لایق
در میان مردم
با دلی غلتیده در ترس و امید
ایستاد با نگاهی آزرده از رنج

مردم شهر در قفل و زنجیر
در انتظار عشق،
غرق رؤیاهای خویشند
بر دست هر یک قفلی است محکم
بر پای هر یک زنجیری کلفت

هر از گاهی نفسی می خیزد،
تصویر وحشت است
آنجا

قفل و زنجیر بردگی
به دست و پا
خسته ها خسته ترند؛
نالها را نمی شود شمرد،
تصور مرگ است
آنجا

مردم شهر، همچو پروانه
در تمنای نور
به دنبال رازی
تا به در آیند
از آن خوف و وحشت شب
خسته تر از همیشه
غرق نگاه های خویشند

توماج فرزانه شد
همچو ستاره سرخ
دمید چون نور
شعله بود از دورن مردم بر خاست
به سخن آمد و گفت :
"شعله ها باید شد و سوخت
از سوختنی هاست که بر می خیزد نور"
اینک طوفان خشمی است در راه،
دریا می کند طغیان
موجهای تندبست بر آن
گر بر موجش شوی همراه
خورشید می شود پیدا

آن دم که فرا برسد بهار
همراه با تمامی شکوفه ها
و ماهمگی با هم

در آهنگی با ریتم تند باران
هماهنگ با موج های آب
همه با هم
سرود؛ عشق را خواهیم خواند
سرود اندیشه
سرودی برای زیستن دوباره
آهنگی در کوچ رنج و درد
در مرگ خدایان
در اوج پیروزی
روایمان را
در هیجان شادی
در پیوند دوباره عشق به زیستن
تا مسافتهای، دور/ دور/ دور
جشنی خواهیم گرفت و قصه هایم کران تا کران جاودانه تر از همیشه خواهد بود
این چنین بود که
شهر
افسانه شد!

در پی اندیشه خویش
همه عاشق همه غرق رؤیا
قصه ها ست ورد زبان
بر در هر کوچه و برزن
می شود نشان
کاشتن عشق با ماست
ما سیل خروشانیم
این چنین بود که کاروانی به راه افتاد،
غرق نگاه های خویش
غرق شادی
شاد شدند
اوج خویش را همچون عقاب
در آسمانها دیدن
همگی به سوی توماج دست کشیدند
چه تیز پرواز است
عقاب؛

چه زیبا می گیرد اوج

چه زیبا می زند پر

به هر جا می کشد سر

در آسمانی آبری

چه زیبا می گیرد اوج

چه زیبا می زند پر

سوم نومبر ۲۰۲۲ میلادی "شمی صلواتی"